

بررسی جرم آدم‌ربایی در فقه و حقوق موضوعه با رویکردی به نظر حضرت امام خمینی (س)

جمشید جعفرپور^۱

ابوالفضل احمدزاده^۲

چکیده: در مقاله پیش‌رو جرم آدم‌ربایی از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گرفته و با ارائه دیدگاه‌های فقیهان شیعه و سنی در این زمینه و با رویکرد به نظر فقهی حضرت امام خمینی (س) در باب سرقت، به نحو تحلیلی به ربودن انسان آزاد چه صغیر و چه کبیر، پرداخته شده است. از بعد حقوقی نیز با طرح آرای حقوقدانان معاصر و نقد و بررسی هر یک از این دیدگاه‌ها و همچنین تبیین رویه قانونگذار در این باب به صورت مفصل، اقدام شده و در انتهای بحث، بررسی تطبیقی ماده ۶۳۱ ق.م.ا. و ماده ۶۲۱ همان قانون صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جرم، آدم‌ربایی، مخفی کردن، سرقت، افساد فی‌الأرض، طفل تازه متولد شده.

۱) تعریف آدم‌ربایی از دیدگاه فقهی و قانونی

الف) آدم‌ربایی از دیدگاه فقهی

جرم آدم‌ربایی از دیرباز وجود داشته و حقوقدانان مسلمان نیز در برخی از ابواب فقه به بیان احکام مرتبط با آدم‌ربایی پرداخته‌اند که از جمله، در باب حد سرقت، ربودن انسان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۱. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم. e-mail: jafarpour@iranculture.org

۲. دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

e-mail: ahmadzadeh20@gmail.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۲۵ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ مورد تأیید قرار گرفت.

بر اساس اتفاق نظر فقهای شیعه و سنی، شرط تحقق سرقت، آن است که موضوع سرقت، مال باشد و انسان آزاد، مال نبوده و ربودن او سرقت محسوب نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توان مجازات سرقت را در این مورد اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی‌کند که فرد ربوده شده کودک یا بالغ باشد. اما اگر فرد ربوده شده عبد نابالغ یا دیوانه باشد در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد:

اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزدد، دستش قطع می‌شود؛ زیرا عبد نابالغ و مجنون، مال محسوب می‌شوند و امکان سرقت آنها وجود دارد؛ اما اگر کبیر و عاقل باشد دست رباینده قطع نمی‌شود، زیرا سرقت آنها امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را بریاید، سرقت محسوب نمی‌شود، بلکه غضب است، مگر اینکه مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می‌شود؛ زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد (ابن قدامه بی تا: ۳۴).

نظریه فوق مؤید آن است که ملاک اجرای حد سرقت، تحقق عنوان سرقت است و این عنوان در مواردی صدق می‌کند که آنچه ربوده می‌شود، مال باشد. بنابراین نباید میان صورتهای مختلف تفاوت گذاشت؛ زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می‌کند و از این رو، این تفکیک قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه شاید بتوان تأمل کرد، زیرا هدف ممنوعیت جرم آدم ربایی، تضمین آزادی تن وی می‌باشد و شخص دیوانه، از این نظر مانند محکوم عاقل، مورد حمایت قانون نیست. بنابراین ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص عاقل را داشته باشد. توجیهی که بر رد این ادعا می‌توان مطرح کرد آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان عاقل و غیر عاقل هم تفاوتی با هم ندارند و به صورت یکسان در حمایت قانون می‌باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد. البته دادگاه می‌تواند این تفاوت را ملاکی برای اعمال حداقل و حداکثر مجازات قانونی قرار دهد (زراعت ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۵۱).

کثیری از فقها به دلیلی که در بالا گفته شد، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند؛ اما با استناد به روایات (حر عاملی بی تا ج ۱۸: ۵۱۴) مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده‌اند و در توجیه آن به نظریه افساد فی الارض استناد می‌جویند (مرعشی ۱۳۷۶ ش ۲۰: ۴۳). البته حق آن است که نمی‌توان هر عمل ناشایست را که عنوان خاص مجرمانه‌ای را دارا نیست، تحت شمول عنوان «افساد فی الارض» قرار داد و برای آن مجازات محاربه و افساد فی الارض در نظر گرفت؛ چراکه فقها در موارد معین، مصادیق افساد فی الارض را مشخص کرده‌اند و عنوان

آدم‌ربایی یکی از همین مصادیق است (شیخ طوسی ۱۴۱۳ ج ۱۰: ۲۳؛ ۱۳۴۳ ج ۲: ۷۴۳؛ شهید ثانی ج ۲: ۵۱). محقق حلی در *مختصر النافع* می‌گوید: «دست چنین کسی به خاطر افساد قطع می‌شود نه از باب حد» مرحوم خوانساری در شرح عبارت فوق می‌گوید: «دلیل آن روایت سکونی از امام صادق^(ع) است که فرمود: «أَنَّ أمير المؤمنين أتى برجل قد باع حداً فقطع يده» و نیز روایت انسان بن ظریف از امام صادق^(ع) است که فرمود «فيها أربعة حدود ... أما ما ذكر من ان القطع ليس حداً بل للفساد» (خوانساری ۱۳۶۴ ج ۷: ۱۴۵). البته ایشان در ادامه بحث خود می‌گویند که این قول اثر عملی ندارد و معتقد است که قائل شدن به آن احتیاج به کبرایی دارد که فساد، موجبی برای قطع باشد و دلیلی بر وجود آن نیست. مقدس اردبیلی در *زبدة البيان* ذیل آیه ۳۳ مائده در حد محاربه این احتمال را مطرح کرده که فساد می‌تواند موجب قتل باشد.

امام خمینی^(س) در پاسخ به این سؤال که آیا دست آدم‌ربا به دلیل فساد قطع می‌شود، می‌فرماید: «لو سرق حراً كبيراً أو صغيراً، ذكراً أو أنثى - لم يقطع حداً، فهل يقطع دفعاً للفساد؟ قيل: نعم و به روایة، و الأحوط ترك القطع و تعزيره بما يراه الحاكم» (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۲ و ۱: ۸۸۵)؛ یعنی قول ضعیفی گفته است: بله و بر آن روایتی دلالت دارد؛ ولی احتیاط در عدم اجرای قطع و تعزیر آدم‌ربا بر اساس نظر حاکم است.

شارح *تحریر الوسیله* معتقد است که:

عدم قطع دست آدم‌ربا به واسطه این است که موضوع سرقت که رسیدن ارزش مال مسروق به میزان نصاب باشد، در آدم‌ربایی وجود ندارد و لازمه تحقق سرقت ارزش مالی داشتن مسروق در لغت و عرف است. ممکن است گفته شود که دلیل اجرای حد قطع برای حراست مال است و حراست نفس اولی بر آن است که بطلان این استدلال واضح است و موافق مذهب ما نیست. همچنانکه در *جواهر* این مطلب آمده است؛ هر چند قطع به خاطر دفع فساد از شیخ طوسی در *النهایه* و جماعتی بلکه مشهور نقل شده است. اما فرض کلام آنها در موردی است که شخص حری را بر باید و او را بفروشد، و مستند آن روایات متعددی است که در این معنا ظهور دارند؛ از جمله روایت سکونی در باب سرقت *وسائل الشیعه* می‌باشد. به هر حال، در این روایات چند بحث وجود دارد: اول اینکه، آیا با ملاحظه آنها حکم قطع ثابت می‌شود یا نه؟ چه بسا گفته شود روایات مذکور ضعیف هستند و

شهرت، ضعف آنها را جبران نمی‌کند؛ زیرا اصل شهرت همان فتوای شیخ در نهاییه است که بعداً در کتاب *خلاف از آن عدول کرده است*. دوم اینکه، آیا قطع بر فرض ثبوت به دلیل سرقت است یا دلیل دیگری مثل فساد؟ انصاف این است که اگرچه در روایات تعبیر به سرقت شده، ولی قطع مذکور در آنها مستند به سرقت نیست؛ بلکه ظاهر این است که وجه دلیل آن همان فساد و مفسده باشد (فاضل لنکرانی ۱۴۰۶: ۴۳۵-۴۳۳).

از عبارت فوق می‌توان چنین برداشت کرد که شارح *تحریر الوسیله* نیز عنوان «افساد فی الارض» را برای آدم‌ربایی نفی نکرده است. هر چند در بحث مجازات مفسد، اعتقاد دارد که اگر عمل مذکور از مصادیق فساد باشد، لازم است مجازاتهای چهارگانه مفسد بر آن مترتب گردد. از طرف دیگر مرحوم خوبی، در مورد فروش انسان، معتقد است که: «من باع انساناً حرّاً صغیراً أو کبیراً ذکراً أو أنثی، قطعت یده» (خوبی ۱۴۲۲ ج ۱: ۳۸۴). ایشان ذیل عبارت، به نقل احادیث پرداخته است، ولی در مورد اینکه قطع دست مرتکب، به عنوان مجازات سرقت است یا به دلیل صدق عنوان افساد، اشاره‌ای به موضوع ندارد و تنها در جهت تأیید نظر خویش، به احادیث منقول در *وسائل* نسبت به حدیث معتبره سکونی از امام صادق^(ع): «أن امیر المؤمنین^(ع) أتى بر رجل قد باع حرّاً فقطع یده» استناد می‌کنند (خوبی ۱۴۲۲: ۳۸۵).

مرحوم صاحب *جواهر* در این خصوص می‌فرماید:

این اشکال اجتهاد در مقابل نص است، اگر از باب فساد باشد؛ چون آدم ربایی، محاربه و افساد خاصی است که با توجه به دلیلی خاص حکمش فقط قطع است (نجفی ۱۹۸۱ ج ۴۱: ۵۱۰).

شارح *تحریر الوسیله*، در ادامه چنین می‌گوید:

ظاهر این است که احکام چهارگانه مذکور در آیه به این واسطه بر محارب حمل می‌شود که سعی در فساد در زمین می‌کند. به این معنا که محارب به واسطه اینکه از مصادیق مفسد فی الارض و از افراد آن است، این احکام بر او مترتب می‌شود. بنابراین از آیه مربوطه حکم مفسد فی الارض از جهت اینکه مفسد است، فهمیده می‌شود... (فاضل لنکرانی ۱۴۰۶: ۵۰۱).

به تعبیر دیگر، ایشان بحث در احکام محارب را، بحث از احکام مفسد می‌داند که به نظر می‌رسد در این صورت، تعدد آیات لازم نبود (حیب زاده ۱۳۷۹: ۱۵۹).

در این قسمت برای تبیین نظر حضرت امام خمینی^(س) در خصوص جرم آدم‌ربایی لازم به توضیح و بررسی است که امام در کتاب *تحریر الوسیله* به تأسیس نظریه‌ای جدید در باب محاربه، روی می‌آورد که می‌توان در نظریه ایشان «محاربه بر وجه فساد» سیر تکاملی گفته‌های صاحب *جواهر* را یافت. ایشان می‌فرماید:

محارب، کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون آورده و یا خود را مجهز به آن نماید و در زمین اراده فساد داشته باشد و فرقی نمی‌کند که در خشکی باشد یا در دریا، در شهر یا غیر شهر، در شب یا روز در آن یکسان‌اند (ر.ک. به: امام خمینی^(ع) ۱۳۸۵ ج ۲: ۵۲۴).

بر اساس این نظر، برای تحقق محاربه، علاوه بر به کار بردن سلاح و قصد اخافه، قصد افساد فی الارض هم شده است. این نظر بر اساس برداشتی از آیه شریفه ۳۳ سوره مائده است که موضوع حکم دو جزء دارد: یکی محاربه و دیگری افساد در زمین؛ یعنی عنوان مورد نظر جرم (محاربه بر وجه فساد است نه محاربه به تنهایی). در نتیجه، اگر هر یک از شرایط محاربه و افساد تحقق پیدا نکند، موضوع حکم مذکور در آیه تحقق نیافته است؛ زیرا محاربه و افساد هر یک جزئی از سبب هستند که با تحقق هر دو جزء سبب، مسبب، یعنی مجازات‌های اربعه قابلیت اجرا پیدا می‌کند (حبیب‌زاده ۱۳۷۹: ۲۳).

بنابراین، مقوله محاربه و افساد با مجازات آن، مقوله سبب و مسبب است که تحقق یک جزء سبب، موجب اجرای مسبب نمی‌گردد، بلکه مجازات مذکور در آیه فقط هنگامی قابل اجراست که محاربه با افساد همراه باشد و الا اگر محاربه موجب فساد نگردد، از شمول حکم آیه خارج است.

با بررسی نظریه حضرت امام خمینی در باب محاربه و نیز استدلال‌های وارده در این خصوص، می‌توان به ارائه راه حل مشخص و روشن در مورد تعریف جرم آدم‌ربایی از دیدگاه حضرت امام^(س) پرداخت و آن اینکه با توجه به دخالت عنصر زمان و مکان در اجتهاد و نیز با بررسی وضعیت کنونی ایجاد رعب و هراس و سلب امنیت در جامعه اسلامی، موضوع جرم آدم‌ربایی تا حدود زیادی قابل انطباق بر جرم محاربه و افساد فی الارض است؛ چرا که اکثر ملاکات مندرج در خصوص جرم محاربه و افساد فی الارض، در جرم آدم‌ربایی نیز موجود و قابل رؤیت است، زیرا در حال حاضر، در موارد زیادی آدم‌رباها مجهز به اسلحه بوده و به وسیله اسلحه افراد را می‌ربایند

(ر.ک.به: امام خمینی ب ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۹). بالاخص زمانی که آدم ربایی، شکل گروهی و سازمان یافته به خود می‌گیرد و امنیت و آسایش جامعه اسلامی را در سطح وسیعی مورد تهدید و آسیب قرار می‌دهد. از این رو فساد گسترده در جامعه، زمینه‌ساز نظریه حضرت امام^(س) مبنی بر محاربه بر وجه فساد است.

یکی از فقهای متأخر در این مورد چنین اظهار نظر کرده که:

قطع ید در مورد بیع حرّ از جهت فساد فی الارض نمی‌تواند دلیل بر آن باشد که حکم محارب و مفسد فی الارض که در آیه آمده است درباره بیع جاری می‌گردد و حتی اگر کسی را نکشته باشد، علت اینکه فقط در این مورد فرموده اند: علت حکم افساد فی الارض است نه سرقت، این است که در سرقت لازم است شیئی که سرقت می‌شود مال باشد و چون شخص حرّ مال نیست، دست وی از جهت سرقت قطع نمی‌شود؛ بلکه به خاطر افساد فی الارض قطع می‌شود و در هیچ یک از روایات وارده در قطع ید با بیع حرّ، چنین تعلیلی نیامده است و این یک نوع اجتهاد فقهی است و صاحب جواهر تصریح می‌فرماید که از اطلاق روایات استفاده می‌شود که حکم سرقت درباره وی جاری می‌گردد که در آیه آمده است و شیخ^(ره) که خواسته است آن را مصداق آیه شریفه قرار دهد، حکم قتل را درباره او جاری نمی‌داند و این دلیل بر این است که حکم هر مفسد فی الارض جواز قتل نیست ... به هر حال در کلام شیخ^(ره) و سایر فقها دیده نشده است که کسی از آنان مفسد را بما هو مفسد بدون آنکه عنوان محارب بر آن صادق باشد، محکوم به مجازات قاتل بدانند (مرعشی ۱۳۷۷ ش ۹: ۱۵).

اما تحقیق در مقام آن است که فعلیت هر حکم منوط به فعلیت موضوع آن است. در تحقیق محاربه صرف کشیدن اسلحه کفایت نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن ایجاد ترس و هراس و ناامنی هم لازم است. بنابراین از آنجا که آدم ربایی عبارت است از سلب آزادی تن شخص یا اشخاصی و نیز جابجا کردن آنها که ممکن است فعل جابجایی همزمان با فعل ربایش صورت بگیرد. چنانچه این نوع ربایش موجب ایجاد هراس و سلب امنیت در جامعه گردد، می‌توان بر آن شخص، اطلاق محارب و مفسد فی الارض کرد (ر.ک. به: موسوی بجنوردی ۱۳۸۴: ۱۵۲).

نکته آخر اینکه: قانونگذار اسلام برای تمام افعال حرام و کارهای ناشایست، مجازات تعیین نکرده است، بلکه تعداد محدود و منصوصی از آنها را مورد حکم قرار داده است و بقیه را به نحو کلی، در اختیار و به عهده حاکم شرع گذاشته است که وی می‌تواند برحسب اقتضای شرایط و موقعیتها، و همچنین بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای فعل محرم یا ترک عمدی واجب الهی، مقرر دارد چنانکه بسیاری از فقها به همین صورت فتوا داده‌اند (نجفی ۱۹۸۱ ج ۴: ۱۵).

ب) آدم‌ربایی از دیدگاه قانون

۱- تعریف آدم‌ربایی

«آدم ربایی» معادل واژه‌های «abduction» (رفیعی ۱۳۸۶: ۱۰)، «kidnapping» (Martin: 2001: 277) در زبان انگلیسی و واژه «enlevement» (کاتبی ۱۳۸۰: ۵۵) در زبان فرانسه و واژه «اختطاف و خطف» (آذرنوش ۱۳۸۵: ۱۷۲) در زبان عربی می‌باشد که در برخی موارد برای مطلق آدم‌ربایی و در دیگر موارد، برای ربودن دختر به منظور عمل نامشروع به کار می‌رود. تعریفهای زیر نیز برای این واژه ارائه شده است:

- انتقال یک یا چند شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان، که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا با زور انجام گیرد (نخله ۲۰۰۲: ۹۶).

- آدم‌ربایی، جابجا کردن غافلگیرانه فرد، بدون رضایت (عنف، حيله، تهدید و هر نحو دیگر) وی است (گلدوزیان ۱۳۸۶: ۵۶).

- آزادی بدنی هر فرد به طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد. نتیجه این آزادی، لغو بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است (جعفری لنگرودی ۱۳۸۲: ۳۲).

بنابراین، آدم‌ربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجایی از محلی به محل دیگر می‌باشد. در اصطلاح قضایی نیز، آدم‌ربایی عبارت است از ربودن و محروم کردن فرد انسانی از آزادی آمد و شد برخلاف میل وی و برخلاف قانون به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگر به العنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر.

۲- عنصر قانونی جرم آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی یا دزدیدن دیگری، ابتدا در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی سابق مصوب ۱۳۰۴ مطرح گردید (ر.ک. به: شکر۱۳۸۴: ۶۷۹-۶۷۸) و به دنبال آن، ماده واحده طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف در سال ۱۳۳۵ به تصویب رسید (روزنامه رسمی، ش ۳۵۰۲-۱۱/۱۸/۱۳۳۵). در سال ۱۳۵۳ با لغو مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص وضع شد (روزنامه رسمی ش ۸۸۰۶-۱۱/۱۹/۱۳۵۴). به موجب ماده ۱۲ این قانون «مقررات مواد ۲۰۲-۲۰۳ قانون مجازات عمومی لغو می‌شود».

در حال حاضر، با تصویب ماده ۶۲۱ ق.م.ا. که اعلام می‌دارد:

هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به
 عنف یا تهدید یا حیل یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری شخصی
 را بر بارید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد.
 در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط
 وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود
 مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت
 ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

و با توجه به نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه بایستی این ماده را ناسخ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۵۳ دانست. اداره حقوق قضاییه در این باره اینگونه نظر مشورتی خود را اعلام کرده است:

باتوجه به ق.م.ا. که نتایج و آثار ناشی از ربودن اشخاص مثل صدمات
 پیش‌بینی شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و یا جرایم دیگر
 مثل لواط و هتک ناموس و غیره مشمول ق.م.ا. است و توجهاً به ماده ۶۲۱
 قانون اخیر التصویب با کلیتی که دارد بالأخص قسمت اخیر آنکه مواد
 مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان را در بر می‌گیرد. قانون تشدید
 مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸ منسوخ است. ماده ۶۲۱
 ق.م.ا. در خصوص مجازات اشد است (مجموعه قانون مجازات اسلامی، نظریه
 ۱۳۷۶/۵/۱۴-۷/۱۲۰۸: ۴۰۱).

لازم است ذکر شود که در موارد مربوط به این جرم، قانونگذار از عناوین مختلفی استفاده کرده است. در مواد ۳۰ ق.م.ا. و ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری اصطلاح آدمربایی به کار رفته و در مواد ۶۲۱ و ۶۲۹ ق.م.ا. از اصطلاحات «برباید»، «ربودن» استفاده شده و در ماده ۶۳۱ همان قانون، عنوان «بدزد» مورد استفاده قرار گرفته که به نظر می‌رسد واژگان و اصطلاحات مترادفی باشند. در بعضی از این مواد، مانند ۶۲۱ و ۶۳۱ علاوه بر جرم آدمربایی، جرم اخفای دیگری نیز مورد نظر مقنن بوده که باید جرم مستقلی تلقی گردد (آقایی نیا ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۳- عنصر مادی جرم آدمربایی

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم آدمربایی «ربودن» است. همان‌طور که ربودن مال مستلزم نقل مکان کردن مال دیگری بدون رضایت مالک آن می‌باشد، برای تحقق جرم آدمربایی نیز، برخلاف جرم حبس کردن غیرقانونی، باید شخص دیگری بدون رضایت خودش (چه به‌طور پنهانی و چه به‌صورت علنی) جابجا شود (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۵). با این حال، جابجایی باید به گونه‌ای باشد که مفهوم عرفی ربودن را متبادر نماید. در تعامل آدمربایی و سلب آزادی تن باید به نکات ذیل توجه داشت. اینکه لازمه قطعی آدمربایی و به‌عبارت دیگر مقدمه لازم آدمربایی آن است که از طرف ابتدا سلب آزادی تن شود و سپس در چنین وضعی جابجایی صورت گیرد. گاهی هر دو عنوان ممکن است همزمان محقق گردند، مانند اینکه راننده اتومبیلی در جریان رانندگی مبادرت به ربودن سرنشین آن نماید. با این حال هرگز نمی‌توان تصور کرد که بازداشت مؤخر بر ربودن باشد یا به‌عبارت دیگر نباید سلب آزادی تن را نتیجه ربودن دانست.

نتیجه قبول یا عدم قبول استدلال فوق در تعیین مطلق یا مقید به نتیجه بودن جرم آدمربایی رخ می‌نماید. به نظر می‌رسد که با توجه به استدلال فوق، آدمربایی را باید جرم مطلق به حساب آورد. (آقایی نیا ۱۳۸۶: ۱۷۲).

در مورد آنی یا مستمر بودن جرم آدمربایی نظرها و دیدگاههای مطروحه متفاوت است. بعضی معتقدند که ربودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی‌علیه می‌گردد که جرمی آنی است. در حالی که مخفی کردن، جرمی است مستمر و ممکن است محل آن جایی مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد (گلدوزیان الف ۱۳۸۶: ۲۱۳). همچنین برخی قائلند که آدمربایی به محض سلب آزادی و شروع به جابجایی واقع می‌گردد. لذا جرمی آنی است ولی مخفی کردن جرمی مستمر

است (شکری ۱۳۸۴: ۶۸۳). اما به اعتقاد یکی از حقوقدانان معاصر پذیرش این دو دیدگاه به دلایل ذیل با مشکلات فراوانی روبروست:

نخست، اگر لازمه آدم‌ربایی را جابجایی شخص بازداشت شده بدانیم، آنی بودن آن محل تردید است. جابجایی اقدامی است که مستلزم گذشت زمان متعارف است.

دوم، اگر این جرم را آنی بدانیم در واقع باید مرور زمان آن را از لحظه وقوع جرم محاسبه نمود و در این صورت اگر شخص ربوده شده به مدت طولانی در اختیار آدم‌ربا قرار داشته باشد، شروع مرور زمان از همان لحظه اول باید محاسبه شود که بی بنیادی این نظریه نیاز به توضیح ندارد. سوم، مقایسه مال و انسان به‌عنوان موضوع جرم سرقت و آدم‌ربایی از این نظر، قیاس مع‌الفارق است و نمی‌توان با وحدت منطوق عنوان عمل یعنی ربودن، حکم به تسری شرایط ربودن مال به آدم‌ربایی داد.

چهارم، بناءً علی‌هذا، آدم‌ربایی را باید جرم مستمر بدانیم و مرور زمان آن را از لحظه آزادی شخص ربوده شده و مشروط به این که مدت زمان متعارف از ربودن گذشته باشد، محاسبه کنیم (آقایی نیا ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۳).

به هر حال، بایستی گفت که نظریه اخیر با نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری شماره ۷/۹۲۰۵-۱۳۸۱/۱۰/۱۷-تقویت می‌شود که: «اگرچه به محض ربودن یا سلب آزادی شخص جرم محقق می‌گردد ولی تا زمانی که فرد ربوده شده آزاد نگردیده است، جرم استمرار خواهد داشت.» در مواد ق.م.ا. آدم‌ربایی یا اخفا به دو شکل مطرح گردیده است: نخست، مباشرت قانونگذار این مصداق را با جمله «... شخصاً... شخصی را بر باید...» مشخص نموده و منظور موردی است که آدم‌ربایی توسط مرتکب، مستقیماً و بدون واسطه انجام می‌گیرد. دوم، تسبیب که با عبارت «... هر کس... توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند...» بیان شده است. در این حالت، آدم‌ربا عملیات اجرایی ربودن مجنی علیه را خود شخصاً انجام نداده؛ بلکه به دستور وی توسط دیگری انجام شود، نظیر سرکرده یک باند تبهکار که دستور ربودن کسی را صادر می‌نماید و افراد وی مبادرت به ربودن شخص می‌نمایند.

نکته‌ای که در مورد اخفا و مخفی نمودن در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. به نظر می‌رسد این است که، عمدتاً مخفی نمودن وقتی عنصر مادی در جرم مذکور محسوب می‌گردد که مسبوق به ربودن باشد و الاً مشمول ماده ۵۸۳ ق.م.ا. می‌گردد. همچنین، هرگاه کسی مانع از خروج دیگری از

محلّی گردد و وی را در همان محلّ مخفی نماید و سپس در قبال آزادی وی درخواست وجه نماید، عملش مشمول این ماده است گرچه مسبوق به ربودن نباشد (شکری ۱۳۸۴: ۶۸۲).

لازمه جرم آدم‌ربایی و اخفا، عدم رضایت مجنی علیه است. بنابراین رضای او مانع تحقق جرم خواهد بود. اشکال زوال رضایت مؤثر نیست و قانونگذار با تصریح به «... به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را بر باید یا مخفی نماید...» بر ضرورت عدم رضایت و بی‌تأثیری شکل زوال آن، مهر تأیید نهاده است (آقای نی ۱۳۸۶: ۱۷۶). البته ذکر طرق و کیفیت سلب آزادی تن از شخص مجنی علیه در متن ماده فوق‌الذکر جنبه تمثیلی دارد، نه حصری؛ چون در قسمت دیگر همان ماده، عبارت «یا به هر نحو دیگری» آورده شده است که شامل مصادیق دیگر از قبیل بی‌هوش کردن، مستی و غیره می‌شود. بنابراین، ربودن و مخفی کردن یک فرد تعدّد جرم محسوب نمی‌شود و مستوجب یک مجازات است.

۴- عنصر معنوی جرم آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی از جرایم عمدی است که نیاز به قصد مجرمانه یا سوء نیت عام ربودن (قصد استیلا یافتن و نقل مکان انسان) و سوء نیت خاص (قصد تحصیل نتیجه مجرمانه یا قصد سلب آزادی از فرد ربوده شده) دارد. از طرف دیگر، مرتکب باید به انسان بودن و زنده بودن فرد ربوده شده علم داشته باشد. به تعبیر دیگر، مرتکب با علم به موضوع جرم و وصف آن، یعنی انسان زنده در هنگام انجام رفتار مجرمانه، یعنی ربودن و اخفا عامد باشد. جهل به اینکه آنچه می‌رباید انسان زنده است یا اینکه در طفل تازه متولد شده نسبت به مرده و یا زنده بودن چنین طفلی مرتکب اشتباه شود و یا آنها را با «انسان دیگری» موضوع ماده ۶۲۱ اشتباه نماید، حسب مورد عنوان جرم ارتكابی متفاوت خواهد بود (آقای نی ۱۳۸۶: ۱۷۷). بنابراین، هرگاه وی از وجود کسی در داخل صندوق عقب خودرو مطلع نبوده و خودرو را حرکت دهد، یا انسان خوابیده‌ای را جسدی پنداشته و آن‌را، به قصد پنهان یا دفن کردن آن، حرکت دهد، و یا به‌طور صادقانه در مورد رضایت فردی که وی را با خود می‌برد اشتباه کرده باشد، مرتکب جرم آدم‌ربایی نخواهد شد. لیکن، انگیزه مرتکب از اقدام به ربودن دیگری مؤثر در مقام نیست (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۷).

قصد مطالبه وجه یا مال یا قصد انتقام یا به هر منظور دیگر حتی قصد ازدواج و غیر، همه بیانگر انگیزه‌های ارتکاب جرم بوده و در ماهیت جرم تأثیری ندارد و فقط ممکن است در میزان مجازات مرتکب مؤثر باشد. به طور مثال، براساس رأی شماره ۱۰۲۱ - ۱۳۲۵/۸/۲ شعبه دیوان عالی کشور:

برای تحقق و تمامیت جرم آدم‌ربایی کافی است که متهم زن منظور را از خانه‌اش خارج کند ولو اینکه قبل از وصول به مأمن و مقصد در اثر موانعی موفق به انجام عمل نگردد (متین دفتری ۱۳۸۲: ۲۹۷).

پس در موردی که چند نفر متهم با هدف نهایی سرقت محموله و بار (ورقه آهن) تریلی، راننده تریلی را همراه با وسیله نقلیه‌اش از مسیر اصلی خود منحرف نموده و به نقطه نامعلومی می‌برند، جرم آدم‌ربایی محقق خواهد شد. لذا رأی شماره ۱۶/۵۶۸/۷۱ (بازگیر ۱۳۷۵: ۲۲۰) دیوان عالی کشور که عمل مرتکبان را با این استدلال که علت غایی و هدف نهایی متهمین، سرقت محموله کامیون بوده و نه خود راننده و تمامی اقدامات و عملیات انجام شده از ناحیه متهمین، تمهید و مقدمه برای سرقت بار ورق آهن کامیون بوده، آدم‌ربایی نمی‌داند، کاملاً مخدوش است؛ چون اولاً، دیوان عالی کشور در این مورد سوء نیت مرتکب را با انگیزه خلط کرده است. درحالی که انگیزه، در ماهیت این جرم تأثیری ندارد. ثانیاً، مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر، الزاماً به معنای داخل شدن مقدمه در ذی‌المقدمه نیست. همان‌گونه که در جرم سرقت عنصر «بردن» از جنبه معنوی مستلزم آن است که «سارق بداند و بخواهد که مال دیگری را ببرد» و «مجنی علیه نداند و یا نخواهد که مالش برده شود». در جرم آدم‌ربایی نیز لازمه تحقق عنصر ربودن، آن است که آدم‌ربا بداند و بخواهد که شخصی را برآید و از طرف دیگر مجنی علیه نخواهد یا نداند که ربوده شود (حبیب‌زاده ۱۳۸۳: ۴۹).

اما نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که گاهی ممکن است، مرتکب دارای انگیزه خیرخواهانه‌ای باشد؛ مثلاً دختری را که در معرض تجاوز و هتک حیثیت است، برآیند تا گزندی به او نرسد بدون اینکه شخص ربوده شده از این موضوع خبر داشته باشد و به آن رضایت داده باشد یا زن مطلقه‌ای فرزند خود را که حضانتش بر عهده پدر است در راه کودکستان و به انگیزه ارضای عواطف مادری برآید و پس از چند ساعت او را اعاده نماید، آیا چنین اعمالی را می‌توان به استناد ماده ۶۲۱، از مصادیق آدم‌ربایی دانست؟

در پاسخ به این سؤال چند دیدگاه مطرح است:

اول، ممکن است از ظاهر ماده ۶۲۱، چنین استنباط شود که پاسخ به سؤلهایی از این قبیل، مثبت است. اما منطق حقوقی و انصاف قضایی اقتضا می‌کند که چنین عملی را مشمول ماده مذکور ندانیم. همچنان که سابقه وضع این ماده به خوبی بیانگر این مطلب است، زیرا ماده یک قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به جای عبارت «هر منظور دیگر»، عبارت «هر منظور سوء دیگر» را به کار برده بود و در نتیجه باید گفت که انگیزه خیرخواهانه، در اینجا نسبت به مسئولیت کیفری تأثیر دارد و سوءنیت را به کلی زایل می‌کند. ماده ۶۲۱، گرچه قصد سوء را بیان نکرده، اما مواردی که در این ماده به عنوان مصداق بیان شده است «قصد مطالبه وجه و قصد انتقام» ظهور در این مطلب دارد (زرعت ۱۳۸۵: ۳۴۵).

دوم، آدم‌ربایی با انگیزه انسانی از شمول ماده ۶۲۱، خارج خواهد بود. این نتیجه‌گیری که بر صحت آن تردید نیست نباید خروج اقدام از ماده ۶۲۱ را به معنای مباح بودن آدم‌ربایی و اخفا تلقی نمود، بلکه چنین اقدامی ممکن است از مصادیق بازداشت یا اخفا غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا. باشد. لذا به نظر می‌رسد آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ در اینگونه موارد، محقق نشده باشد (آقایی نیا ۱۳۸۶: ۱۷۹).

سوم، با وجود قصد مجرمانه، انگیزه در تحقق جرم اعم از شرافتمندانه یا غیر شرافتمندانه بی‌تأثیر است و تنها می‌تواند موجب تأثیرگذاری بر میزان مجازات و رعایت کیفیات مخفیه یا مشدده باشد. بنابراین، انگیزه سیاسی، مانع تحقق جرم عمدی آدم‌ربایی یا مخفی کردن ربهوده شده نمی‌باشد (گلدوزیان الف ۱۳۸۶: ۲۱۵).

چهارم، وجود انگیزه شرافتمندانه موجب تخفیف مجازات مرتکب خواهد شد و مواردی هم که تحت یکی از عوامل سالب مسئولیت کیفری، مثل اضطرار قرار گیرد، جرم و قابل مجازات محسوب نمی‌شود. مثل اینکه کسی فردی را که در اثر سانحه‌ای بیهوش شده است داخل خودرو خود گذاشته و راهی بیمارستان شود (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۷).

به نظر می‌رسد که استدلال دیدگاه اول و دوم با معیار عرف و منطق حقوقی و نیز حذف واژه «سوء» از سوی مقنن در قسمت اخیر ماده ۶۲۱ ق.م.ا. باتوجه به سابقه آن در ماده یک تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ سازگارتر باشد که در این صورت، اقدامات صورت گرفته از جانب مرتکب با انگیزه شرافتمندانه را بایستی از مصادیق بازداشت و مخفی نمودن غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ ق.م.ا. دانست.

۲) مجازات و علل تشدید مجازات آدمربایی در قانون مجازات اسلامی الف) مجازات آدمربایی در قانون مجازات اسلامی

مجازات اصلی جرم آدمربایی به معنای عام کلمه در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. بدین گونه مقرر شده است:

۱- حبس از ۵ تا ۱۵ سال برای هر کس که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری، شخص را برآید؛

۲- حبس ۱۵ سال برای ربودن مجنی علیه که سن وی کمتر از ۱۵ سال تمام باشد؛

۳- حبس ۱۵ سال برای آدمربایی با وسایل نقلیه؛

۴- حبس ۱۵ سال برای آدمربایی توأم با ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه.

ذکر نکته‌ای در اینجا بایسته است. از آنجا که جرم آدمربایی از جمله جرایم تعزیری و عمدی است، قاضی دادگاه به استناد مواد ۱۹ و ۲۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ - یا مواد (۱-۱۲۳ و ۲-۱۲۳) در لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی (فصلنامه پژوهشی، تحلیلی... ۱۳۸۶: ۲۱) - حق اعمال مجازات یا اقدامات تکمیلی را در مورد شخص آدمربا دارد. ماده ۷۲۸ ق.م.ا. بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز به قاضی دادگاه اختیار استفاده از مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی را داده است.

اجرای مجازات جرم آدمربایی اعم از ساده یا مشدد به استناد بند ۲ ماده ۳۰ ق.م.ا. و نیز بند ب ماده ۸ - ۱۵۳ لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی (فصلنامه پژوهشی، تحلیلی... ۱۳۸۶: ۴۱) قابل تعلیق نیست و تعقیب مرتکب نیز مستلزم شکایت بزه دیده نخواهد بود؛ ولی گذشت او می‌تواند به عنوان یکی از جهات مخففه، موجبی برای تخفیف باشد. (بند ۱ ماده ۲۲ ق.م.ا. و بند ۱ ماده ۲ - ۱۵۱ لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی).

اجرای مجازات معاونت در آدمربایی و اخفا موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا. قابل تعلیق است. چنانچه جرمی مقدمه یا لازمه آدمربایی باشد و یا آدمربایی مقدمه یا لازمه جرم دیگری باشد، مرتکب به استناد قسمت اخیر ماده ۶۲۱، به جمع مجازات و محکوم خواهد شد (آقایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۰).

ب) علل تشدید مجازات جرایم ماده ۶۲۱ ق. م. ا.

۱- سنّ قربانی

قانونگذار در برخی مواقع، به لحاظ کم بودن سنّ مجنی علیه، مجازات مرتکب را تشدید کرده است. در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. در هر دو عنوان مجرمانه آدم‌ربایی و اخفاء، سن از موجبات تشدید مجازات است و اقدام یا نتیجه دیگری در این مورد برای تشدید لازم نیست. هرچند سنّ بلوغ به موجب ماده ۱۲۱۰ ق. م. برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است، اما در جرم آدم‌ربایی در صورتی که فرد ربوده شده کمتر از ۱۵ سال داشته باشد مجرم به حداکثر مجازات، یعنی ۱۵ سال حبس محکوم شده و از این نظر تفاوتی میان دختر و پسر وجود ندارد. باتوجه به اینکه، کیفیت مشدده مبنای شرعی ندارد، مراد از سال را باید سال شمسی (و نه قمری) دانست. به علاوه، به نظر می‌رسد که علم مرتکب به سنّ مجنی علیه ضرورتی ندارد و این تشدید در هر حال بر او بار خواهد شد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۸). تعیین سن به‌عنوان جهتی برای تشدید به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر اطفال در مقایسه با افراد بالغ و ضعف آنها در مقام دفاع از خود و فقدان تجربه کافی برای دفع مخاطرات و امثال آنها است (آقایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۲).

۲- وسیله ربایش

آدم‌ربایی از شمار جرایمی است که نوع وسیله ارتكابی در ماهیت آن مؤثر نیست و فقط می‌تواند در میزان مجازات مرتکب اثرگذار باشد.

وسيله نقلیه در ماده ۶۲۱ ق. م. ا. بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، اما اطلاق آن در اینجا شامل وسیله نقلیه موتوری یا غیرموتوری (گلدوزیان ۱۳۸۶: ۲۱۷) و اعم از وسیله نقلیه زمینی، دریایی یا هوایی (آقایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۲) می‌باشد. علت تشدید مجازات، آن است که چنین وسایلی هم موجب تسریع و تسهیل در وقوع جرمند و هم رعب و وحشت فزاینده‌ای را به دنبال دارند.

۳- ایراد آسیب جسمی یا حیثیتی

آسیب باید در نتیجه آدم‌ربایی به قربانی وارد شود. به عبارت دیگر، بین این دو رابطه سببیت موجود باشد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۸). معمولاً آسیب جسمی همراه آسیب روحی است که در ماده ۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص نیز پیش‌بینی شده است. آسیب حیثیتی، سوء استفاده‌های جنسی است که آبروی فرد را در معرض خطر قرار دهد. در این قبیل موارد، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد (گلدوزیان الف ۱۳۸۶: ۲۱۷).

اطلاق عبارت «به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود...» هم فرضی را که آسیب ضمن ربایش صورت گرفته است و هم فرضی را که پس از ربایش وارد می‌آید، شامل می‌گردد (شکری ۱۳۸۴: ۶۸۳).

ایرادی که در این خصوص به ماده ۶۲۱ ق.م.ا. وارد است آن است که مانند مواد ۲ و ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، به صراحت آسیبهای روحی و روانی وارده در اثر آدم‌ربایی را موجب تشدید ندانسته است، ضرورت دارد به هنگام انجام اصلاحات جدید، برطرف شود.

ج) بررسی ماده ۶۳۱ ق.م.ا. و ماده ۶۲۱ آن قانون

ماده ۶۳۱ ق.م.ا. مقرر می‌دارد:

هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

قبل از انقلاب، مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به «ربودن طفل تازه متولد شده» اختصاص داشت. در ماده ۱۹۵ قانون فوق‌الذکر چنین آمده بود:

هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگر یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل دهد به شش ماه الی سه سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹۶ همان قانون اشعار می‌داشت:

هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکوره واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یک ماه الی شش ماه حبس جنحه‌ای است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده مجازات مقصر از یازده روز تا دو ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود.

پس از انقلاب اسلامی، بنا به تغییرات به وجود آمده در قوانین، جرم ربودن طفل تازه متولد شده در ماده ۹۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ گنجانده شد. تفاوت اصلی قانون لاحق با قانون سابق در پیش‌بینی نوع مجازات بود که در مواد ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مجازات به صورت حبس جنحه‌ای بود، اما قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، از شلاق به جای حبس استفاده کرده بود.

اجرای ماده ۹۷ قانون تعزیرات تا سال ۱۳۷۵ به طول انجامید تا اینکه در این سال با تصویب قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ماده ۶۳۱ آن قانون، به جرم ربودن طفل تازه متولد شده اختصاص یافت که در حقیقت بنابه نص صریح ماده ۷۲۹ اصلاحی ۱۳۷۷/۲/۲۷، تمام قانون مجازات عمومی و اصلاحات و الحاقات آن را منسوخ اعلام کرده است که مواد متمم قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۰/۴/۲۷ که با شماره ۲۸۱ به بعد از ماده ۲۸۰ الحاقیه قانون مجازات عمومی شروع شده نیز مشمول حکم است (ن. م. ا. ح. ق. ق. ۴۶۶۳/۷-۱۳/۷۷).

منظور از طفل تازه متولد شده، طفلی است که به سادگی قابل تمایز با نوزادان دیگر نبوده و قابل جایجایی با طفل دیگر باشد (گلدوزیان ۱۳۸۶: ۲۱۶).

علت اینکه، قانونگذار واژه «دزدیدن» را به جای «ربودن» برای طفل به کار برده است، در حالی که دزدیدن معمولاً برای ربودن اموال به کار می‌رود آن است که نوزاد به دلیل ناتوانی از حرکت و دفاع، در حکم مال می‌باشد. هر چند ممکن است قانونگذار به این تفاوت توجهی نداشته و همان آدم‌ربایی را اراده کرده باشد، زیرا این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند (زراعت ۱۳۸۵: ۳۳۶).

مهم‌ترین وجه تمایز جرم موضوع ماده ۶۳۱ و ماده ۶۲۱ ق. م. ا. را در انگیزه مرتکب می‌توان جستجو کرد؛ زیرا ربایش طفل در اینجا به منظور تصاحب و پذیرش او به فرزندگی و نگهداری طفل است. همین‌طور مخفی نمودن طفل ناظر به موردی است که طفل را بدون آنکه دیگران بفهمند، مخفی می‌کند تا بعداً آن را برده و خود نگهداری نماید (شکری ۱۳۸۴: ۶۹۹).

در مورد بند «... متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید...» ماده ۶۳۱ ق.م.ا. ذکر چند نکته حایز اهمیت است:

اول اینکه، منظور از به جای طفل دیگر قلمداد نمودن، عوض نمودن دو طفل با یکدیگر است (شکری ۱۳۸۴: ۶۹۹).

دوم اینکه، جرایم دزدیدن یا اخفای طفل تازه متولد شده از ناحیه هرکس حتی پرستاری که اطفال در اختیار آنها هستند، امکان‌پذیر است مگر والدین، ولی قلمداد کردن طفل به جای طفل دیگری و یا متعلق به زن دیگری از سوی والدین طفل نیز متصور است (آقایی‌نیا ۱۳۸۶: ۱۸۴).

سوم اینکه، بند فوق‌الذکر، ناظر به حالتی است که شخصی که طفل متعلق به وی قلمداد می‌گردد، خود طفلی ندارد. به عبارت اخری، در اینجا مرتکب طفل را متعلق به زنی که طفل او سقط شده یا مرده به دنیا آمده قلمداد نماید (شکری ۱۳۸۴: ۶۹۹).

نکته‌ای که در مقایسه ماده ۶۳۱ و ۶۲۱ ق.م.ا. جلب توجه می‌کند این است که ماده ۶۲۱ کم سن بودن قربانی را موجب تشدید مجازات و در چنان حالی مجازات مرتکب را پانزده سال حبس دانسته است؛ در حالی که در ماده ۶۳۱ که قربانی آن نوزاد جدیدالولاده است، مجازات ربودن یا مخفی کردن یا متعلق به زن دیگر قلمداد نمودن چنین نوزادی بسیار سبک‌تر از مجازات مذکور در ماده ۶۲۱، یعنی عبارت از شش ماه تا سه سال حبس، می‌باشد که این تفاوت قابل توجیه به نظر نمی‌رسد (میرمحمد صادقی ۱۳۸۷: ۴۹۹).

آخرالامر با بررسی دوباره ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ ق.م.ا. به نظر می‌رسد قانونگذار تفاوتی بین موردی که طفل حاصل از رابطه مشروع و یا متولد از ازدواج غیرقانونی و نامشروع باشد، قائل نشده است و برای تأیید این نظر می‌توان به اطلاق ماده ۶۳۱ استناد کرد و آنچه مورد نظر مقنن بوده، نفس جرم «ربودن طفل تازه متولد شده» است که امنیت روانی و اجتماعی جامعه را به خطر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

آدم‌ربایی در فقه از جمله جرایمی است که در قالب عناوین عام تعزیرات و افساد فی الأرض بیان شده است و در مواردی نیز در مبحث سرقت و غصب آمده است. همان‌گونه که حضرت امام خمینی در باب سرقت به مسئله ربودن انسان آزاد کبیر یا صغیر پرداخته‌اند. البته براساس اتفاق نظر

فقهای شیعه و سنی، شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت مال باشد. از این رو ربودن انسان آزاد، مجازات سرقت را در بر ندارد. بنابراین، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند، اما برای برون رفت از این مسأله با استناد به روایات وارده در باب سرقت، مجازات فعل سرقت را برای جرم آدم‌ربایی پیش‌بینی می‌کنند و حتی در توجیه و علت‌یابی آن، به نظریه افساد فی الأرض تمسک می‌جویند. از طرف دیگر، می‌توان گفت جرم آدم‌ربایی در حقوق جزای ایران از لحاظ عنصر مادی - با عنایت به اختلاف نظر حقوقدانان در این زمینه - جرم آنی و مقید به نتیجه است و از نظر عنصر روانی، جرمی عمدی است که هم نیاز به سوء نیت عام دارد و هم سوء نیت خاص. ولیکن انگیزه مرتکب گرچه خوب و شرافتمندانه باشد، برخلاف قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ و رویه‌های قضایی موجود، تأثیری در ماهیت این جرم نداشته و عنصر روانی این جرم را زایل نمی‌کند. برخی از مصادیق آدم‌ربایی در قانون، عنوان خاص مجرمانه دارد که آنها را از شمول عنوان عام آدم‌ربایی خارج می‌کند؛ مانند ربودن طفل تازه متولد شده (ماده ۶۳۱ ق.م.ا.) و ربودن اتباع ایرانی توسط خارجیان.

از نظر فقهی نیز بایستی جرم آدم‌ربایی را از مصادیق جرایم تعزیری دانست که در شرع مقدس مجازات خاصی برای آن معین نگردیده و قاضی باید با توجه به مصالح اجتماعی مجازات مناسبی را برای آن در نظر بگیرد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۵) *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- آقایی‌نیا، حسین. (۱۳۸۶) *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ دوم.
- ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد. (بی‌تا) *الکافی فی الفقه ابن حنبل* گردآوری شده در الموسوعات الفقهیه توسط علی‌اصغر مروارید، بیروت: دارالتراث.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی.
- _____ . (الف) (۱۳۸۵). *ترجمه تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ . (ب) (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- بازگیر، یدالله. (۱۳۷۵) *علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور*، تهران: حقوقدان، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۲) *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش، چاپ هفتم.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی نژاد. (۱۳۸۳) *جرم آدم‌ربایی در حقوق ایران*، تهران: مجله دادرسی، ش ۴۳.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. (۱۳۷۹) *مبارزه در حقوق کیفری ایران*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (بی تا) *وسائل الشیعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی نیک، سید عباس. (۱۳۸۵) *مجموعه قوانین کاربردی*، تهران: مجد، چاپ اول.
- خوانساری، سید احمد. (۱۳۶۴) *جامع الماء و رک*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، جلد هفتم.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲) *مبانی تکلمه المنهاج*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی.
- رفیعی، محمدتقی. (۱۳۸۶) *فرهنگ حقوقی مجد*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ نهم.
- *روزنامه رسمی*، سال ۱۳۳۵ و ۱۳۵۴.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۵) *حقوق جزای اختصاصی ۱*، تهران: فکرسازان، چاپ سوم.
- شکری، رضا و سیروس قادر. (۱۳۸۴) *قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی کنونی*، تهران: نشر مهاجر، چاپ چهارم.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۳) *تهذیب الاحکام*، بیروت: دارالأضواء.
- _____ . (۱۳۴۳) *النهایه*، ترجمه محمدتقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۰۶) *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (الحدود)*، قم: المطبعه العلمیه.
- *فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی مجد*. (پاییز ۱۳۸۶) ویژه لایحه قانون مجازات اسلامی با همکاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، انتشارات مجمع علمی - فرهنگی مجد، سال اول، ش ۲.
- کاتبی، حسینقلی. (۱۳۸۰) *فرهنگ حقوق فرانسه به فارسی*، تهران: گنج دانش، چاپ دوم.
- گلدوزیان، ایرج. (این) *حقوق جزای اختصاصی*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.
- _____ . (۱۳۸۶) *محتسای قانون مجازات اسلامی*، تهران: مجد، چاپ هشتم.
- متین دفتری، احمد. (۱۳۸۲) *مجموعه رویه قضایی (بخش جزایی)*، تهران: رهام، چاپ دوم.
- *مجموعه قانون مجازات اسلامی* (۱۳۸۵) معاونت پژوهش، تهران: تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
- مرعشی، سید محمدحسن. (۱۳۷۶) «افساد فی الارض»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، شماره ۲۰.
- _____ . (۱۳۷۷) «مبارزه و افساد فی الارض»، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۹.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۴) *فقه تطبیقی بخش جزایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۷) *جوابیم علیه اشخاص*، تهران: میزان، چاپ دوم.
- نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۹۸۱) *جواهرالکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نخله، موریس و البعلبکی، روحی و مطر صلاح. (۲۰۰۲) *القاموس القانونیه الثلاثه*، منشورات الحلبي الحقوقیه، الطبعة الأولى.
- Martin, A Elizabeth (2001) *Dictionary of law*, Oxford university press.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.